

حمیدرضا جلایی‌پور، از کشتار مردم کرد تا کارشناسی مسائل کردستان؟!

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

حمیدرضا جلایی‌پور، در مقطع انقلاب دانشجویی بود که با صدور فتوای خمینی، برای کشتار مردم کرد، با اولین گروه‌های حزب‌الله عازم کردستان شد تا با ریختن خون مردم کرد، درخت اسلام را آبیاری کند. او، اخیراً به عنوان کارشناس مسائل کردستان، قلم می‌زند، با روزنامه‌ها مصاحبه می‌کند و در دفاع از این رژیم خونین، به مخالفین رژیم، تهمت و افترا می‌زند. او، به مثابه یک شوینیست فارس، مدعی می‌شود که در ایران، ستم ملی وجود ندارد و زبان ترکی را فولکلور می‌نامد. سرانجام بی‌شرمانه و با وقاحت تمام تاریخ را تحریف می‌کند تا جنایات شان را به مخالفین رژیم، نسبت دهد.

عوامل رژیم جمهوری اسلامی، در ۱۹ فروردین ۱۳۵۸، به تجمع حزب دموکرات کردستان ایران، در استادیوم ورزشی شهر «نقده» حمله کردند. ماجرا نخست با کشتن یکی از نگهبانان این تجمع آغاز شد. سپس سایه شوم جنگ و گریز تمام شهر را فرا گرفت که در اثر آن صدها انسان بی‌گناه جان خود را از دست دادند. در این تجمع و تظاهرات، علاوه بر پیشمرگان مسلح حزب دموکرات، مردم عادی از زن و مرد و کودک و پیر نیز شرکت داشتند که صدها نفر از آنان توسط مزدوران رژیم کشته شدند. مردم کرد را از این شهر بیرون راندند و افراد مسلح شخصی به نام «معبودی»، با حمایت نیروهای تازه نفس ملاحسنی، که از ارومیه وارد این شهر شده بودند، به زور اسلحه مردم کرد را از خانه و کاشانه شان بیرون راندند. معبودی، قبلاً عضو حزب پان ایرانیست بود و در مقطع انقلاب، از سوی ژاندارمری منطقه و لشکر ۶۴ ارومیه، افرادی را مسلح کرده بود، با حمایت همه جانبه دار و دسته حزب الهی‌ها به رهبری ملاحسنی معروف، جنگ خونینی را در این شهر راه انداختند و حتا خانه‌های مردم کرد را نیز غارت کردند. شواهد نشان می‌دهد که عوامل رژیم، این توطئه را تدارک دیده بودند تا با راه انداختن جنگ ترک و کرد، در شهر نقده، حمله همه جانبه شان به کردستان را در افکار عمومی مردم توجیه کنند. در حالی که مردم ترک و کرد، بدون هیچ مشکلی تاریخ طولانی در این شهر، در کنار هم زندگی کرده بودند اما، این مشکل را عوامل رژیم آفریدند تا اهداف جنایتکارانه شان را در کردستان پیش ببرند.

بدنبال این جنگ، ارتش و ژاندارم و پلیس و گله‌های حزب‌الله را از تهران و شهرهای دیگر به این منطقه گسیل کردند. هدایت کننده اصلی کشتار مردم نقده، قارنا و ایندرفاش، ملاحسنی وحشی امام جمعه ارومیه بود. علاوه بر این، خلخال‌ها، چمران‌ها و جلایی‌پورها نیز، برای سازمان دهی جوخه‌های ترور، شکنجه، زندان و اعدام، به دستور امام خونخوارشان راهی شهرها و روستاهای کردستان شدند. دسته دسته زنان و مردان و جوانان حق طلب و مبارز را کشتار کردند و به جوخه‌های اعدام سپردند.

طیف توده‌ای و اکثریتی، نهضت آزادی، جبهه ملی و روشنفکران به اصطلاح ملی و مذهبی، در حمایت از جنایات رژیم جمهوری اسلامی، از جمله کشتار مردم کرد، سخنرانی‌های پر طمطراق کردند، مقاله‌ها نوشتند؛ اطلاعیه و بیانیه صادر کردند و مردم حق طلب و ستم‌دیده کردستان و به خصوص کمونیست‌ها و کومه‌له را وابسته به امپریالیسم و عراق نامیدند. بنی صدر، که خود را پسر خوانده خمینی می‌دانست در حمله به کردستان و قتل عام مردم این منطقه

می گفت: کفش هایم را از پایم در نمی آورم تا غائله کردستان را بخوابانم.

حمیدرضا جلالی پور، در مصاحبه ای با روزنامه «بنیان»، در رابطه با راه انداختن جنگ ترک و کرد در شهر «نقده» و کشتار ۴۰ نفر از مردم روستای «قارنا»، به نقش خود، چنین اقرار می کند: «مارکسیست ها در تبلیغات خود به ناروا این حادثه را منتسب به جمهوری اسلامی می کردند و می گفتند جمهوری اسلامی دشمن کردها است و نمی خواهد خودمختاری بدهد. در مقابل طرفداران انقلاب هم مقصر اصلی این حادثه را حزب دمکرات کردستان و کومه له می دانستند که قصد داشتند برای پیشبرد اهداف نظامی خود شهر نقده را از ساکنین شیعه و آذری آن تخلیه کنند و البته اگر شهر خالی می شد سقوط سه پادگان پسوه، جلدیان و پیرا نشهر در اطراف این شهر حتمی بود. پس از حادثه قارنا، همان جوانانی که با هم کلاس های فرهنگی را برگزار می کردیم رفتند از استانداری تقاضای فرمانداری را که بی طرف باشد، کردند. من چون «تهرانی» بودم (نه کرد یا آذری) روی پیشنهاد فرمانداری من با استاندار داشتند. لذا دوباره و این بار به عنوان فرماندار به مناطق کردنشین باز گشتم. یک سال و نیم فرماندار نقده بودم، چهار سال و نیم فرماندار مهاباد و تقریباً حدود چهار سال هم معاون استاندار کردستان بودم».

جلالی پور، از یک سو تاریخ را تحریف می کند، جنایات رژیم جمهوری اسلامی، را توجیه می کند تا بتواند به نقش خود در طول ده سال سرکوب و کشتار مردم کردستان، به خصوص در شهرهای نقده و مهاباد سرپوش بگذارد و از سوی دیگر، برای آینده خود بعد از سرنگونی رژیم، پرونده سفید درست کند. اما، او، به خوبی می داند که آن قدر اسناد و مدارک در رابطه با جنایاتش در کردستان وجود دارد که بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، با برپایی دادگاه های مستقل و عادلانه ای برای محاکمه جانیان رژیم، افرادی مانند جلالی پور، ده ها هزار شاکی خصوصی وجود خواهد داشت. پرسیدنی است که آقای جلالی پور، چگونه شما بی طرف بودید؟! در حالی که شما، یکی از قداره بندها و سازمان دهندگان سرکوب و کشتار مردم کردستان بودید!

آقای جلالی پور، شما و همکاران تان «یعنی همان جوانانی که با هم کلاس های «فرهنگی» برگزار می کردید، آیا چه کسانی می توانستند در این کلاس ها، شرکت داشته باشند؟ شما، به آن ها چه مسائلی را آموزش می دادید؟ در این منطقه جنگی و در میان غرش توپ و تانک و هواپیما و هلیکوپتر و در میان انبوهی از کشته های مردم بی گناه، چه کار «فرهنگی» انجام می دادید؟! چرا شرم دارید که رک و پوست کنده بگویید کلاس های شما و دوستان تان برای آموزش عوامل اطلاعاتی، برای سازمان دهی جوخه های ترور، زندان، شکنجه و اعدام بود؟! مگر در اثر این «خدمات شایسته» تان در این منطقه نبود که شما ارتقای «مقام» پیدا کردید و بیش از ده سال در پست های فرمانداری و معاون استاندار کردستان، در این منطقه فاجعه پشت فاجعه آفریدید؟! به شهادت صدها هزار انسان، شما یکی از عناصر اصلی رژیم بودید که حزب الله، ارتش، پلیس، ژاندارم، سپاه پاسداران و ده ها گروه تروریستی و مافیایی را در این منطقه پرورش دادید و رهبری کردید.

آقای جلالی پور، در رژیم شما، واژه ها و پدیده ها برای توجیه جنایات تان معنای من درآوردی پیدا می کند. به عنوان مثال، زندان اوین، توسط امام تان «دانشگاه» اوین، نام گذاری شد. در حالی که این زندان، یکی از مخوف ترین زندان های دنیا به شمار می آید و هر ثانیه چندین جنایت در آن، از شکنجه تا اعدام به مرحله اجرا گذاشته می شود. دانشگاه نیز، قتل گاه دانشجویان معترض شده است. شما هم عملیات کاملاً نظامی – پلیسی و جنگی تان را فعالیت های «فرهنگی» می نامید. مگر، غیر از این است که رژیم جمهوری اسلامی و همه سردمداران و عوامل و عناصرش با فرهنگ ارتجاعی و فاشیستی شان، دشمن فرهنگ انسانی، آزادی و برابری هستند؟! معلوم نیست چه تعداد از مردم مبارز کردستان و کمونیست ها در زیر شکنجه های شما جان باخته اند و مخفیانه در گورهای جمعی مدفون شده اند؟!

دور نیست آن روزی که ورق تاریخ برگردد و جنایت شما و دوستان تان مورد بررسی قرار گیرد! تازه ابعاد واقعی جنایات بی‌شمار شما و رژیم تان بر علیه مردم ایران و به ویژه مردم کردستان، آن موقع معلوم خواهد شد. تاکنون فقط گوشه هایی از این جنایات به بیرون درز پیدا کرده است اما، در همین حد نیز، بسی هولناک و تکان دهنده است. جلالی پور، در ادامه مصاحبه اش با وقاحت فرهنگ چماقداری حزب الهی شان را به مخالفین رژیم، نسبت می دهد و می گوید: «... اولین گروه های سازمان یافته مروج خشونت، همین سازمان مجاهدین خلق ایران و حزب کومه له و دمکرات بودند. آن ها به کسانی که امام خمینی را دوست داشتند رحم نمی کردند».

جلالی پور، بهتر می داند که هیچ کدام از این سازمان ها، با هر درجه سیاست های غلط و یا راست، عامل خشونت در مقطع انقلاب در ایران نبودند، بلکه بر عکس، این سازمان ها سعی می کردند عناصر حزب الله را که وحشیانه به تجمعات احزاب و سازمان ها با چوپ و چماق و چاقو و تیغ موکت بری حمله می بردند را افشا کنند. حتما شما که کار کارشناسی می کنید اگر نگاهی به روزنامه های آن دوره بیندازید خبر و تصویرهایی را مشاهده می کنید که عوامل حزب الله با شعار «الله اکبر، خمینی رهبر» به تجمعات حمله می کردند. به علاوه مهم تر از همه شماها به عنوان دانشجویان حزب الهی پیرو خط امام، به راحتی آب خوردن آدم می کشتید و با شعار «الله اکبر، خمینی رهبر» با میله های آهنی به تجمعات مخالفین و چپ ها یورش می بردید و در صورت لزوم از سلاح گرم نیز استفاده می کردید. بی رحمانه و وحشیانه با میله های آهنی تان تا آن جا که زور داشتید بر سر زنان و مردان معترض و چپ و کمونیست و کارگران پیشرو می زدید. آقای جلالی پور، دوستان حزب الهی شما، به لب زنانه که آرایش می کردند تیغ می کشیدند.

آقای جلالی پور، شما مدافع رژیمی هستید که پایه های خود را بر خشونت، آدم ربایی، ترور، زندان، شکنجه، اعدام، سنگسار، دست و پا بریدن و سیاست های ضد کارگر و ضد زن بنا نهاده است. بنابراین، جای تعجب نیست که شما به عنوان یک عنصر رژیم، خشونت را به احزاب و سازمان های اپوزیسیون نسبت دهید. همین نوشته تان نشان می دهد که شما، به گذشته خودتان، نه تنها انتقادی ندارید بلکه همچنان در دفاع از رژیم، به مخالفین و اپوزیسیون حمله می کنید.

خشونت، یعنی آسیب رساندن جسمانی و روانی به انسان. این پدیده به قدری نفرت انگیز و هولناک است که آثار مخرب آن می تواند سال های متمادی جسم و افکار انسان آسیب دیده را بیازارد. عموماً حکومت ها انحصار ابزار و امکانات اعمال خشونت و وحشی گری را در اختیار دارند. واقعا خشونت و کشتار و ویرانگری از خصوصیات بارز رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران و اعضای فعال آن است که قوانین ضدانسانی شان را نیز از جانب «خدا» و قوانین و مقررات فقهی و اسلامی کسب کرده اند. جوامع بین المللی، از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، با همه ملاحظات اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک، هر سال رژیم جمهوری اسلامی، را به خاطر نقض شدید حقوق بشر و ترور و شکنجه و اعدام و سرکوب و اختناق محکوم می کند.

جلالی پور، در مقاله دیگری تحت عنوان «جهانی شدن و جنبش نوپای قومی با تاکید بر جنبش کردی در ایران» که در روزنامه «نوروز» به چاپ رسیده است، ادعا می کند که وجود احزاب اپوزیسیون و مبارزه آن ها علیه رژیم، باعث کندی روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کردستان شده است.

او، می نویسد: «راهبرد مسلحانه و کور این گروه ها (کومه له و حزب دمکرات) باعث تشدید معضلات مردم کرد و ایجاد کندی در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی این منطقه، در مقایسه با سایر استان ها شد». (روزنامه نوروز، ۳ بهمن ۱۳۸۰)

واقعا وقاحت بی حد و حصری لازم است که عقب ماندگی کردستان را به احزاب مخالف در مناطق کردنشین نسبت

داد، در حالی که فعالیت احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون اکیدا ممنوع است و اگر عضوی از آنان به دست عوامل رژیم اسیر گردد بلافاصله یا در زیر شکنجه جان می‌بازد و یا به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شود. در چنین شرایطی معلوم نیست جلایی‌پور از کجا کشف کرده است که احزاب مخالف رژیم، با چه ابزار و امکاناتی در مقابل روند توسعه اقتصادی و اجتماعی این منطقه، مانع ایجاد می‌کنند؟!

جلایی‌پور بهتر می‌داند که رژیم سلطنتی با برنامه ریزی کردستان را عقب نگاه داشت تا از این طریق مردم حق طلب کرد را به اطاعت کورکورانه وادار سازد. این سیاست را دولت‌های ترکیه و عراق نیز در قبال مردم کرد پیش گرفتند. حتا در کردستان مناطق سوخته به وجود آوردند؛ اراضی و جنگل‌ها را نابود ساختند و محیط زیست را تخریب کردند تا از این طریق مانع مبارزه مردم آزادی‌خواه شوند. هنوز چند ماهی از سرنگونی رژیم سلطنتی نگذشته بود که نیروهای سرکوبگر رژیم، در «بهار آزادی»، یعنی بهار ۱۳۵۸، از زمین و هوا به کردستان حمله کردند و دست به کشتار وحشیانه مردم کرد زدند. آقای جلایی‌پور، شما و دوستان تان هم در این دوره راهی کردستان شدید تا به جنگ «جهاد» و «جهالت» تان علیه مردم آزادی‌خواه و به ویژه کمونیست‌ها و کومه له بپیوندد و از قافله آدم‌کشان عقب نمانید. از آن تاریخ ۲۳ سال می‌گذرد و در طول همه این سال‌ها کلیه مناطق کردستان، شدیداً زیر کنترل نیروهای نظامی و سپاه پاسداران و سازمان اطلاعات قرار دارد. نزدیک به سیصد هزار نیروی رژیم، تا دندان مسلح در این مناطق مستقر هستند. بنابراین پر واضح است که رژیم شما، نه تنها برای مردم کرد، هیچ گونه خدمات اجتماعی و رفاه به ارمغان نیاورد بلکه هر آنچه که نیز، مردم محروم این منطقه، داشت نابود کرد و سوزاند. در حقیقت رژیم جمهوری اسلامی، سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم سلطنتی را با شدت هر چه بیش‌تر بر علیه مردم کردستان ادامه داد. هیچ موقعیت شغلی برای نیروی کار جوان به وجود نیاورد؛ آگاهانه جوانان را دسته‌دسته معتاد کرد؛ بهداشت روانی مردم را در معرض خطر دائمی قرار داد و ناامنی و ظلم و ستم فزاینده‌ای را بر مردم کردستان تحمیل کرد.

آقای جلالی‌پور، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم شما، تخریبات انسانی و اقتصادی و اجتماعی بی‌سابقه‌ای را در کل جامعه ایران، به بار آورده است. هشتاد درصد مردم ایران در فقر و فلاکت زندگی مشقت باری را می‌گذرانند. در چنین شرایطی ادعای شما این است که وجود احزاب مسلح اپوزیسیون در کردستان، عامل عقب ماندگی و عدم رشد توسعه اقتصادی این منطقه است، ممکن است بفرمایید که کدام احزاب و سازمان‌های مسلح در استان‌های لرستان، بلوچستان، خوزستان، و حلبی‌آبادهای تهران، مانع توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند؟! این تناقض و پیریشانی حالی و هذیان‌گویی شما از کجا ناشی می‌شود؟! واقعیت این نیست که کل رژیم جمهوری اسلامی، عامل اصلی فقر و فلاکت مردم و مانع رشد توسعه انسانی و اقتصادی و اجتماعی در ایران است؟!

شکی نیست که گرایشات ملی و مذهبی، گرایشات عقب مانده بورژوازی هستند که همواره در طول تاریخ بشر، عامل جنگ، خونریزی، کشتار، ترور، زندان، شکنجه و اعدام بوده‌اند. این گرایشات به طور مداوم خصومت و دشمنی را بین مردم بازتولید می‌کنند. قلم به دستان وابسته به رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی، همواره تنور کشمکش‌های «ملی» و «مذهبی» را داغ نگاه می‌دارند تا رژیم شان، به اهداف کثیف اقتصادی و سیاسی اش نائل گردند.

آقای جلایی‌پور، اسم و رسم همکاران شما و رژیم تان، برای همیشه به عنوان یکی از سیاه‌ترین و وحشی‌ترین رژیم‌های دنیا، در تاریخ بشری به ثبت رسیده است. رژیم شما را فقط می‌توان با رژیم فاشیستی هیتلر مقایسه کرد. شکی نیست که ابعاد جنایات جمهوری اسلامی، کم‌تر از جنایات فاشیسم و نازیسم نیست. همچنین مطمئن باشید که اکثریت مردم ایران، با مبارزه طبقاتی مداوم و پیگیرشان به زودی بساط رژیم تان را بر خواهند چید و آن را به گورستان تاریخ روانه خواهند کرد.

